



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اختلال در محتوای فکر



۱- هذیان

۲- خودبیمارانگاری

۳- فکروسواسی

۴- ترس بیمارگونه



هذیان: عقیده باطلی است که با منطق قابل اصلاح نیست
و افراد دیگر گروهی که شخص به آنها متعلق است در آن عقیده
شریک نیستند.

تفاوت هذیان با اشتباهات عادی:

- ۱- هذیان همیشه علامتی از بیماری روانی است
- ۲- شخص اعتقاد را سخ به واقعی بودن آن دارد
- ۳- عقاید هذیانی اهمیت فوق العاده ای برای بیمارانند و تاثیر روی اعمال و رفتار او دارند

انواع هذیانها:



۱- سیستماتیزه یا غریب

۲- هماهنگ یا ناهماهنگ با خلق

۳- اولیه یا ثانویه

هذیان سیستماتیزه: باورهای نادرست که توسط حادثه یا موضوعی به هم مربوط شده اند (تحت تعقیب)

هذیان غریب: باورهایی باطل عجیب و کاملاً پوچ و نپذیرفتنی (الکترودهایی در مغزش کاشته شده)

هذیان اولیه: به طور ناگهانی و بدون هیچ رویداد روانی قبلی ایجاد میشوند (ناگهان عقیده پیدامی کند که در حال تغییر جنسیت است)

ثانویه: از تجربه نابهنجار قلبی ریشه می گیرد (بیماری که بستری است با شنیدن صدایی اعتقاد به این که تحت تعقیب است)



هذیان گزند و آسیب: **(delusion of persecution)**

کسی، گروهی، سازمانی یا نیرویی قصد آسیب زدن به او را دارند.

هذیان انتساب **(reference)**: عقیده ثابت بیمار مبنی بر اینکه

هر چیز رابطه ای مستقیم با او دارد و به محض ورود او در جایی همه متوجه او خواهند شد و او را مسخره می کنند.

هذیان اهمیت **(significance)**: نوعی از هذیان انتساب است

بیمار برای هر چیزی اهمیت خاصی از آن استنباط میکند.

(شما عمداً به او سفارش کرده اید که این لباس زرد را بپوشد تا

همه بفهمند ناتوانی جنسی دارم)



هدیان بزرگ منشی (**grandeur**): اعتقاد به این که از ارزش ،
قدرت معلومات و هویت خاصی برخوردار است یا با فرد مهمی
رابطه دارد.

(درمانیا ، اسکیزوفرن و گاهی افسرده ها)
(وجود مایه دردسر و بلایی برای تمام دنیا است)
شامل:

هدیان اختراع: کشف بزرگ

هدیان دگرگونسازی: انقلابی در دنیا بوجود خواهیم آورد

ثروت: صاحب ثروت بیشماری هستیم



هذیان گناه (guilt):

اعتقاد به ارتکاب اشتباهات خیالی، گناہانی بی اساس و جنایات انجام نگرفته (زندگی خودونزدیکانم راتباه کرده ام)

هذیان نفی وجود (نیست گرایی) (nihilistic):

اعتقاد به اینکه خودیا قسمتی از بدن وجود ندارد یا دنیا ناپدید شده و یا در شرف نابودی است. زمین از بین رفته، معده و روده ندارم.
(درافسردگی عمیق)

سندرم کوتارد: هذیان نفی همراه با افسردگی و تمایلات خودکشی

هذیان جسمی (somatic): عقیده باطل در مورد اعمال بدن
شخص (مغزم در حال خراب شدن است)



هذیان حسادت (بی وفایی) (**jealously**):

پارانویای زناشویی – سندرم اتللو – اعتقاد به خیانت همسر

هذیان شهوانی یا عاشقانه (اروتومانی – سندرم کلرامبو) (**erotic**)

شخص مهمی عاشق او شده است

هذیان محرومیت (**deprivation**): شخص دایما از سوی اطرافیان غارت می شود.

هذیان فقر (**poverty**): همه داروندار خود را از دست داده و خود و خانواده اش از فقر می
میرند.

هذیان خسارت و جادوشدن (**damage ensocellment**): قربانی سحر و جادو

هذیان اتهام (**accusation**):

بیمار اطرافیان را متهم می کند که به او نسبت دزدی، تجاوز جنسی و قتل میدهند و او قادر
به اثبات بی گناهی اش نیست



هذیان مسموم شدن (**poisoning**): کسی می خواهد مسمومش کند.

هذیان کنترل (نفوذ) (**control**): اراده، افکار و احساساتش توسط نیروهای خارجی کنترل می شود. (تحت تاثیر واقع شدن از فاصله ای دور با هیپنوتیزم، الکتروسیته و... که در فکر و رفتار او تاثیر میگذارد یا موجب تحریک جنسی او میگردد.

شامل: ۱- ربایش فکر **thought withdrawal**

t.incertion

۲- کاشتن فکر

t.broadcasting

۳- پخش افکار

ادراک هذیانی (**perception**): معنی و تفسیری هذیانی از یک ادراک واقعی (ترتیب اشیاء روی میز حاکی از در معرض تهدید بودن زندگی من است



- عقاید بیش بها داده شده:
- اعتقاد قوی که مانند هذیان با دلایل و شواهد منطقی تغییر نمیکند و در زندگی و رفتار فرد اثر می گذارند مانند فردی که به جادو اعتقاد دارد
- این عقاید از مسایل طبیعی ریشه میگیرند و با هذیان فرق میکنند.
- به تنهایی ارزش تشخیصی ندارند
- در اسکیزو، اختلالات خلقی، شناختی فوبیا و... دیده میشود



خودبیمارانگاری (**hypochondriasis**): نگرانی مبالغه

آمیز در مورد سلامت جسمی

فکروسواسی (**obsession**): عقیده، هیجان یا تکانه ای که مکرراً
و مصرانه خود را وارد هشیاری مشخص می کند و برخلاف میل شخصی است
و با اضطراب همراه است.

شامل:

شمارش وسواس (**obsessive counting**): میل غیر قابل مقاومت برای شمردن
هر چیزی

تردید وسواسی (**obsessive doubts**): تردید داریم در اینکه آیا عمل خاص انجام
گرفته یا خیر (تردید باز بودن شیر گاز)

ترس بیمارگونه (**phobia**): ترس بیمارگونه مقاوم، غیر منطقی و اغراق آمیز از محرک
یا موقعیتی خاص-میل شدید به اجتناب شامل فوبی خاص و فوبی اجتماعی است.



ادراک: فرایندی که به کمک آن به برداشت حسی
ناشی از تحریک حسی، معنی داده می شود.
اختلالات درکی:

۳- مسخ شخصیت

۱- توهم: hallucination

۴- مسخ واقعیت

۲- اشتباه حسی illusion:

توهم: درک بدون وجود محرک خارجی بر اعضاء
حسی

توهمات اشخاص عادی:

خواب ورویا: توهم هیپناگوژیک: در خواب آگاهی از محیط کم می شود اما برانگیختگی قشر مغز کندتر پایین می آید و فرد درک نسبی از محیط دارد که نوعی از آن توهم کینستیک می باشد. (احساس از دست دادن تعادل، لغزش از پله)

توهم هیپنوپامیک: وقتی فرد هنگام بیدار شدن از خواب دچار توهم شود افزایش سطح تحریکات قشر مخ

محرومیت حسی: sensory deprivation

محرومیت از خواب

هیپنوتیزم

یکنواختی (monotony)

بیماری درونداد حسی (مثل کاتاراکت که درونداد بینایی را کم می کند)

پیش بینی و انتظار

مصرف مواد شیمیایی مثل حشیش و کوکائین



توهمات واقعی:

عینی هستند، فرد واقعا صدایی را میشنود و یا چیزی را
میبیند

توهمات کاذب:

فرد میداند که محرک خارجی وجود ندارد مانند فردی که
احساس میکند که کسی او را
صدا میکند و دارای چند ویژگی است:



- منشأ آن فضای ذهنی بیمار باشد
- فرد به غیر واقعی بودن آن آگاه باشد
- توهم ممکن است هماهنگ با خلق یا ناهماهنگ باشد

انواع توهم: ۱- شنوایی (**auditory**): شنیدن صداهایی که منشا خارجی ندارند.

شایعترین و خطرناکترین: آمرانه

سندرم وانگوک: اقدام به قطع عضو آسیب زدن به خود به دنبال توهم آمرانه (اول شخص و...)

۲- توهم بینایی: ادراک غیر واقعی در محدوده حس بینایی مثل دیدن جرقه ها، دود، انسان، منظره و... (لی لی پوشن و...)

۳- توهم لمسی (**tactile**): لمس یا حس سطحی که به صورت احساس لمس چیز گرم یا سرد، چنگ زدن، پیدایش مایع در سطح بدن یا خزیدن حشرات روی پوست. (یک نوع توهم لمسی **پدیده عضو خیالی** است که بیمار عضو جدا شده را پیوسته به اندام درک می کند)

توهم بویایی (**olfactory**): بوهای ناخوشایند (مثل گوشت گندیده) و گاهی خوشایند.

از مشخصات صرع

توهم چشایی (**gustatory**) مزه ناجور

توهم جسمی (**somatic**): سینستیک: درک غیر واقعی از اتفاقاتی که درون بدن می افتد (احشایی)

توهم سینستریا: احساس یا توهمی که سایر احساسها را بوجود می آورد. صدایی که دیده می شود، یک تجربه بینایی که شنیده می شود.

توهم بازتابی (**reflex**): برداشت حسی ناشی از تحریک یک



توهم اکسترا کامپین: خارج میدان عمل یک عضو حسی، صدای دشمن را از فاصله دهها کیلومتر می شنود یا شیطان را پشت سر می بیند.

توهم سایکوموتور: بعضی قسمتهای بدنش تغییر محل داده اند (گوش روی زانوست و صدار ابازانو می شنود).

توهم کندی حرکات (slow motion): احساس کندی همه جانبه در حرکات

توهم اتوسکوپیک (همزاد پنداری): دیدن خود برای مدتی کوتاه و تکرار شونده

توهم منفی (negative): از درک یک محرک واقعی ناتوان است به چیزی نگاه می کند ولی آنرا نمی بیند.



خطای حسی: اشیاء یا پدیده های واقعی به صورتی متفاوت
و تغییر یافته درک می شوند.

۱- عاطفی: تحت تاثیر هیجانات شدید مثل ترس یا انتظار-دیدن
سایه ها به صورت آدم.

۲- کلامی: درک نابجای مفهوم و معنی حرفهای دیگران (احساس
تهدید، ناسزایا اتهام)

۳- تصویری: تصاویر واقعی به شکل خیالی ظاهر می شوند (گلهای
کاغذ دیواری به شکل قورباغه ای بزرگ به نظرمی رسد.

مسخ واقعیت: تغییر واقعیت یا محیط که فرد از آن آگاه است

مسخ شخصیت: احساس جدایی از خود و غیر واقعی بودن



آسفتگی های هیجان:

هیجان: یک فرایند جسمانی است و شامل نوسانهای بارز در وضعیت انگیزتگی فرد است.

خلق: (mood): تجلیات درونی هیجانان که به طور ذهنی احساس می شوند و شخص انرا گزارش می کند. (علامت)

عاطفه: (affect): تظاهرات خارجی هیجانان که توسط دیگران مشاهده می شود.

(نشانه)



اختلالات عاطفه:

- ۱- نامتناسب (**inappropriate**): زمانی که عاطفه برخلاف انتظار در بیمار دیده می شود و بدون اینکه موقعیت ایجاب کند بخندد یا گریه کند (هنگام مرگ مادر می خندد)
- ۲- کند (**blunted**): ابراز هیجان با شدتی کمتر از آنچه که انتظار می رود.
بی ثبات (**labile**): تغییر سریع، ناگهانی و شدید احساس هیجانی بدون ارتباط با محرکهای خارجی
- بی احساسی (**apathy**): فقدان احساس، هیجان، علاقه یا نگرانی
- دوگانگی احساس (**ambivalence**): شخص به طور همزمان، احساسات متضادی نسبت به یک موضوع دارد. (مادر را دوست دارد و متنفر هم هست)



اختلالات خلق:

خلق متعادل: **(euthymic)** طیف طبیعی خلق

خلق آزاد **(expansive)**: ابراز بدون مهار احساسات

افسردگی **(depression)**: از احساس غمگینی، بی حوصلگی
تا حالات شدید

سوگ یا داغدیدگی **(grief)**: غمگینی متناسب با فقدان بزرگ
(از دست دادن عزیز یا موقعیتی) اگر بیش از ۶ ماه طول بکشد نشانه
بیماری است.

دلتنگی **(dysphoria)**: خلقی ناخوشایند که ناگهان وبدون

علت خاصی ایجاد شده و فرد دوست دارد تنها باشد



خوشی یا نشئه **(euphoria)**: احساس خوش بودن اغراق آمیز که با واقعیت جور نیست و شامل سرخوشی، وجد و جذبه می باشد.
سرخوشی (elation): خوشی همراه با افزایش فعالیت حرکتی و اعتماد به نفس

جذبه (ecstasy): اوج عواطف خوشایند، احساس عمیق و آرام بخش و از خود بی خود شدن (خود را در دنیایی آرام و صلح و صفا احساس می کند)
نوسان خلق (mood swings): تغییر خلق بین افسردگی و سرخوشی
ترک لذت: (anhedonia): فقدان علاقه و کناره گیری
از هر فعالیت لذت بخش

آلکسی تایمی: ناتوانی در آگاهی از هیجانات یا توضیح آنها



- اضطراب (anxiety):** احساس دلواپسی به علت انتظار خطر درونی یا بیرونی که شامل اضطراب موج آزاد، بی تابی، هراس و اضطراب موقعیت می باشد.
- اضطراب موج آزاد (free – floating):** شدید، مداوم، عمومی و بدون ارتباط به چیز معینی.
- بی تابی یا تهییج (agitation):** اضطراب همراه بی قراری شدید حرکتی و تشویش روانی.
- تنش (tension):** بی قراری روانی حرکتی و بییم.
- هراس (panic):** حمله حاد، دوره ای و شدید اضطراب همراه با احساس شدید ترس و فعالیت بیش از حد اتونوم.
- اضطراب موقعیت (situational):** به دنبال موقعیتهای هیجان انگیز مثل امتحان، مصاحبه و جراحی.



احساس گناه (**guilt**): حالت هیجانی حاصل از آگاهی شخص ،
به زیرپا گذاشتن موازین اخلاقی یا مذهبی .
پرخاشگری (**aggression**): احساسات، عقاید یا اعمال
خشمگینانه به یک شخص یا شیء .
تخلیه هیجانی: رهاساختن هیجانات بعد از یادآوری تجربه ای
دردناک .

So Much Thank You
For Your Patience

